



RISK DOCTOR BRIEFING

چرا باید فرصت‌ها را در نظر بگیریم؟

© April 2019, Dr David Hillson FIRM, HonFAPM, PMI Fellow

david@risk-doctor.com



در حال حاضر آمادگی لازم برای ایجاد مدیریت ریسک فراگیری که هم تهدیدها را شامل شود و هم فرصت‌ها وجود دارد. استانداردهای بین‌المللی ریسک را دوسویه تعریف می‌کنند و این موضوع توسط مراجع حرفه‌ای، رهبران فکری شناخته شده، دست‌اندرکاران خبیره و سازمان‌های پیشرو حمایت می‌شود. تنها چیزی که برای بیشتر افراد مورد نیاز است شروع به اجرای آن است! ولی چرا باید این کار را انجام دهیم؟

اینجا پنج دلیل ارائه می‌شود (و بهترین آنها پنجمی است):

1. **انطباق.** استانداردهای بین‌المللی ریسک تعریف دوسویه ریسک را به کار می‌برند و سازمان‌هایی که می‌خواهند با این استانداردها منطبق باشند باید این موضوع را تبعیت نمایند.
2. **قراردادها.** برخی کارفرماها نیاز دارند تا مین‌کنندگانشان مدیریت ریسک رسمی را استفاده نمایند، و اگر بخواهید با آنها داد و ستد داشته باشید باید فرآیندهای ریسک را پیاده سازید. اگر کارفرمای شما مدیریت فرصت را نیز در نیازمندی‌های قراردادی خود بگنجانند، شما وادارید آن را انجام دهید.
3. **پیروی.** بسیاری از سازمان‌های پیشرو - شامل سازمان‌های الگو و بهترین‌ها - فرآیندهای یکپارچه ریسک را برای شناسایی و تسخیر فعالانه فرصت‌ها در کنار برخورد با تهدیدها به کار می‌برند. این ممکن است بقیه سازمان را برای اجرای رویکردی مشابه به منظور باقی ماندن در سطح پیشروهای صنایع تحت تاثیر قرار دهد.
4. **اعتماد به نفس.** ترس از شکست انگیزه نیرومندی برای بسیاری از پیشروهای ارشد است، و هر چیزی که امکان بهبود عملکرد یا افزایش موفقیت را ارائه نماید احتمالاً توسط آنها به چنگ آورده می‌شود.
5. **سودهای واقعی.** این بهترین دلیل برای اجرای رویکرد یکپارچه ریسک است. در نظر گرفتن فرصت‌ها در فرآیند ریسک تنها در صورتی فراگیر و پذیرفته می‌شود که منافع ملموسی وجود داشته باشد. منافع شامل این موارد است:

- فرصت‌های محقق شده بیشتر. یک فرآیند ریسک گسترده ایجاد اطمینان می‌کند که ما زمان مشخصی را برای جست و جو و پیگیری فعالانه فرصت‌ها صرف می‌کنیم. این یعنی فرصت‌هایی که ممکن است از دست بروند، مهار می‌شوند و برخی از آنها ممکن است مورد بهره‌برداری قرار بگیرند.
- بهبود شانس موفقیت پروژه و کسب و کار. از آنجایی که فرصت‌ها شناسایی و تسخیر شده‌اند، می‌توانیم منافع مربوطه که موجب دستیابی به اهداف و ایجاد ارزش می‌شوند و در صورت عدم تسخیر فرصت‌ها از دست می‌رفتند را به دست بیاوریم.
- بدون فرآیند جدید. استفاده از فرآیندهای رایج برای فرصت‌ها و تهدیدها با اجرای فعالیت‌های مشابه برای هر دوی آنها بیشینه کارایی را تضمین می‌نماید. نیازی به ایجاد، معرفی و نگهداشت فرآیند مدیریت فرصت جداگانه نمی‌باشد چرا که یک فرآیند ریسک می‌تواند کافی باشد.
- اثربخشی هزینه. استفاده از یک فرآیند برای مدیریت فرصت‌ها و تهدیدها موجب اجتناب یا کمینه سازی مشکلات و بهره‌برداری از یا بیشینه سازی فرصت‌ها می‌شود.
- توسعه تکنیک‌های آشنا. بیشتر تکنیک‌هایی که در حال حاضر برای مدیریت تهدیدها به کار برده می‌شود با تغییرات اندکی می‌تواند برای برخورد با فرصت‌ها استفاده گردد. تکنیک‌های اضافی مختص فرصت، دشوار نیستند و به راحتی قابل پیاده‌سازی می‌باشند.
- کمترین آموزش اضافه. از آنجایی که مدیریت ریسک یکپارچه فرآیندهای ریسک آشنا را استفاده می‌نماید، کارکنان فقط باید تکنیک‌های جدید که برای شناسایی و تسخیر فرصت‌ها به کار می‌رود را یاد بگیرند.
- مدیریت ذخیره بهتر. در نظر گرفتن تاثیرات بالقوه مثبت و منفی بدین معناست که محاسبات ذخیره با به حساب آوردن هم اضافه هزینه‌های بالقوه و هم صرفه‌جویی‌های ممکن، ممکن است واقعی‌تر باشند.
- افزایش انگیزه تیمی. تشویق افراد در تفکر خلاقانه درباره راه‌های کار کردن بهتر، ساده‌تر، سریع‌تر، اثربخش‌تر و غیره، انگیزاننده قابل توجهی است و تیم‌ها از جست و جوی فرصت‌ها و محقق سازی آنها لذت خواهند برد.
- افزایش حرفه‌ای‌گری. کارفرماهایی که سازمان‌های تامین‌کننده یا پیمانکارها و تیم‌های پروژه را در حال کار کردن برای بیشینه‌سازی منافع پروژه‌شان می‌بینند، از نمایش حرفه‌ای‌گری مشعوف می‌شوند و این امر موجب افزایش اعتبار و رشد کسب و کار می‌شود.

ما باید فرصت‌ها را در فرآیند ریسکمان در نظر بگیریم چرا که می‌توانیم **منافع واقعی** کسب کنیم، با استانداردها منطبق شویم، تعهدات **قراردادی** را برآورده سازیم، از کسب و کارهای پیشرو **پیروی** نماییم و **اعتماد به نفس** خود را برای موفقیت افزایش دهیم.